

اقتصاد سیاسی قاچاق کالا و پیامدهای امنیتی و سیاسی آن در ایران

رضا التیامی نیا^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲

چکیده

قاچاق تبعات و ابعاد منفی زیادی برای کشور می‌تواند در پی داشته باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که عوامل موثر بر پدیده قاچاق در ایران کدامند و تاثیرات آن بر امنیت و اقتدار ملی کشور چیست. با استفاده از تجارب چین در مبارزه با قاچاق کالا و ارز چه راهکارهایی در این زمینه وجود دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر گسترش اقتصاد غیر رسمی، قاچاق کالا و ارز و دستیابی به مکانیسمهای موثر جهت مقابله با قاچاق در کشور می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قاچاق و اقتصاد زیر زمینی پیامدهای منفی برای امنیت ملی، حکمرانی و اقتصاد کشور در پی دارد. در ایران عمل قاچاق به دلیل اینکه منجر به کاهش درآمدهای حیاتی دولت، واردات کالاهای قاچاق خطرناک و تهدید نظم عمومی و تعادل اجتماعی می‌شود نگران کننده است. قاچاق باعث تهدید اقتدار و حاکمیت دولت می‌شود. قاچاق کالا و ارز در کشور، کاهش تولیدات داخلی، کاهش تقاضا برای تولیدات داخلی، کاهش سودآوری و سرمایه گذاری در تولید و بخشهای مختلف اقتصاد کشور، و به تبع آن کاهش اشتغال و افزایش بیکاری را در پی داشته و در نهایت با کاهش اقتدار و حاکمیت دولت، امنیت ملی کشور به مخاطره می‌افتد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی از نوع کیفی است و شیوه جمع آوری داده‌ها استفاده از منابع کتابخانه‌ای و منابع لاتین می‌باشد.

کلمات کلیدی: اقتصاد سیاسی، قاچاق کالا، پیامدهای امنیتی و سیاسی، امنیت ملی.

مقدمه

لویس شلی معتقد است که جرایم سازمان یافته بین المللی از جمله قاچاق، موضوع مهم و تعیین کننده برای سیاستگذاران است. هیچ حوزه ای در امور بین المللی دست نخورده باقی نمی ماند و بافت اجتماعی و سیستمهای سیاسی و اقتصادی بسیاری از کشورها به علت افزایش قدرت اقتصادی گروههای مجرم سازمان یافته بین المللی تهدید می شوند. مؤسسز نعیم نیز اظهار می کند تجارت غیر قانونی دارو و مواد مخدر، اسلحه، دارایی فکری، انسان و پول رو به گسترش است. مانند جنگ بر علیه تروریسم، مبارزه برای کنترل این بازارهای غیرقانونی هم بسیار مهم است و دولتها را مقابل شبکه‌های چابک، کاردان و بی دولت قرار می دهد که به وسیله جهانی شدن تقویت شده‌اند. دولتها مادامی که راهبردهای جدیدی برای این نبرد بزرگ تر و بی سابقه اتخاذ نکنند شکست را تجربه می کنند (Siers, 2007, 225).

بر اساس کنوانسیون نایروبی، قاچاق تخلف گمرکی است که شامل جابجایی کالا در طول مرزهای گمرکی با روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی صورت می گیرد (خضر زاده، سلیمانی و رضویان، ۱۳۸۹: ۷۰). قاچاق به طور کلی از نظر ماهوی به دو شکل انجام می گیرد: از یک سو ممکن است عوامل تجاری غیر قانونی، کالایی را به صورت غیر رسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده یا از آن خارج نمایند و از سوی دیگر، عوامل تجاری قانونی، فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوشش برای انجام اعمال متقلبانه در تجارت، مانند دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می شود (کریم زاده، ۱۳۹۵: ۱۷). مسئله مهمی که امروز درحوزه اقتصاد ایران وجود دارد معضل قاچاق و عدم موفقیت در مبارزه با آن، تبیین ابعاد مختلف و بسترهای سیاسی، قانونی، حقوقی و اقتصادی آن می باشد. فعالیت گسترده قاچاق خسارتهای زیادی برای اقتصاد و حکمرانی کشور در پی دارد. پیامد سیل کالاهای قاچاق ارزان تنها حمله و آسیب به فروش کالاهای داخلی مشابه نمی شود بلکه همچنین به مدیریت تجارت کشور آسیب می زند، باعث ایجاد اختلال در بازار می شود و درآمدهای مالیاتی را تحت تاثیر قرار می دهد.

در ایران شکاف بین قیمت محصولات پتروشیمی داخلی و قیمت منطقه ای آنها محرک و مشوق مهمی برای تجارت غیرقانونی این مواد راهبردی است. مصرف بالای این محصولات به یک چالش بزرگ برای دولت تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۶، مقدار یارانه انرژی به ۴۰ میلیارد دلار یا ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشور رسید. بر طبق منبع رسمی دولت، تقریباً ۳۰ میلیون لیتر گازوئیل هر روز در ایران ناپدید می شود و به کشورهای همسایه از جمله، افغانستان، ترکیه و عراق قاچاق می شود (Farzanegan, 2008, 6). یکی از تبعات چنین شرایطی، گسترش پدیده قاچاق کالا از ایران و برعکس می باشد. این وضعیت به کاهش ضریب‌های امنیتی دراز مدت برای ایران منجر شده است. یکی از کارکردهای مرزها و موقعیت جغرافیایی ایران، قاچاق مواد سوختی از جمله بنزین، گازوئیل و احشام از ایران به کشورهای همسایه، قاچاق پرندگان و گونه‌های حیوانی و گیاهی ایران به همسایگان، تردهای گسترده غیر مجاز، قاچاق مواد مخدر و خارج کردن اشیای عتیقه از جمله میراث‌های فرهنگی ایران به کشورهای همسایه

می‌باشد و جوی از ناامنی در فضای منطقه مرزی و سایر نقاط کشور ایجاد کرده است. تردهای غیرقانونی مرزی، قاچاق کالا، مواد مخدر، مشروبات الکلی و برخی تحرکات امنیتی در شمار کارکردهای روزمره مرز ۶۷۸ کیلومتری ایران و آذربایجان است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۹۴). در قاچاق کالا بر خلاف تجارت رسمی، نوع کالا، قیمت آن و میزان آن مشخص نیست بنابراین برنامه‌ریزی‌های تولیدی، سیاست‌های تجاری دولت و بخش خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولید کننده با توجه به این ریسک، یا در فرایند تولید شرکت نمی‌کند یا در صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه تر طلب می‌کند. دولت هم در برنامه‌ریزی‌های تولیدی با همین مشکل روبه روست (وطن پور، ۱۳۸۷: ۷). قاچاق مواد مخدر از ایران به ترکمنستان، دستگیری، محاکمه و محکومیت تعدادی زیادی از ایرانیان در این زمینه، و رفت و آمدهای غیر مجاز مرزی اتباع دو کشور تأثیرات نگران کننده ای بر روابط مختلف این دو کشور به ویژه روابط اقتصادی دو کشور می‌تواند به جای گذارد. طول مرزهای ایران و ترکمنستان از خلیج حسن قلی تا سرخس، ۱۲۰۶ کیلومتر است و از نواحی فیزیوگرافیک کوهستانی، رودخانه‌ای، دریایی، بیابانی، کوهپایه‌ای و باتلاقی تشکیل شده است و از نظر جمعیتی کم جمعیت است. مرز ۹۷۸ کیلومتری ایران-پاکستان، از نظر کارکردهای مرزی از جمله تردهای غیر مجاز، قاچاق و نقش آن در تقویت واگرایی‌ها در شمار مرزهای بد و بسیار ناامن برای ایران است. یکی از نتایج مستقیم نادرست جداسازی اقوام بلوچ و قرار دادن آن پشت دیوارهای سه مرز کشور ایران، پاکستان و افغانستان توسط گلد اسمیت، نماینده بریتانیا، تردد گسترده غیر مجاز لحظه‌ای مرزی، قاچاق سازمان یافته و اغلب خانوادگی یا طایفه‌ای کالا و مواد مخدر می‌باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۳۳). مسئله پژوهش حاضر این است که پدیده قاچاق عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌های اداری و عدم قدرت انحصاری اعمال زور و قوانین توسط دولت را نشان می‌دهد. قاچاق منجر به نتایج و بازخوردهای غیر موثر اقتصادی و خفه کردن روحیه کارآفرینی می‌گردد و شرایط اجتماعی-اقتصادی را تولید کرده است از جمله بیکاری، از دست رفتن و جابجایی مشاغل و تنزل رفاه که همگی باعث تقویت فعالیت‌های غیر رسمی و شیوه جدیدی از بهره‌کشی شده است. از این نظر می‌توان قاچاق یا فعالیت‌های غیر رسمی را به مثابه ائتلاف سخت بین عوامل مختلف دانست که قادرند هم در قدرت دولت نفوذ کنند و هم قدرت دولت را تهی کنند. انسان شناسان معتقدند که اقتصادهای غیر رسمی از جمله قاچاق و فساد با انحاء مختلف دور زدن عوامل و نهادهای قانونی دولتی می‌باشد؛ از این رو منجر به تولید اقتصاد در سایه می‌شود و مرزهای حکومت و جامعه را کم رنگ می‌کند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که مهم ترین عوامل موثر در قاچاق کالا و ارز چیستند و با توجه به دستاوردهای کشور چین در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، چه راهکارهای نوینی برای مقابله با قاچاق کالا و اقتصاد سایه و غیر رسمی در راستای تحقق جهش تولید و اعتلای امنیت اقتصادی در کشور وجود دارد.

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر تطبیقی یا مقایسه‌ای است. این روش به ما اجازه می‌دهد مجموعه‌ای از روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته را مورد بررسی قرار دهیم. جهت استفاده از تجارب و دستاوردهای دیگر

کشورها برای مبارزه با گسترش معضل اقتصاد غیر رسمی به ویژه قاچاق در کشور، مطالعه تطبیقی برای استفاده از روشها و اقدامات کشور چین در زمینه مبارزه با قاچاق کالا صورت می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

به طور کلی قاچاق به معنی ورود و خروج پنهان کالاها از طریق منابع رسمی و غیر رسمی بدون پرداخت عوارض دولتی می‌باشد. در بند دوم قانون جزایی ایران، قاچاق به معنی حمله مجرمانه است و مجازات‌های قانونی برای آنها در نظر گرفته شده است. از جمله این مجازاتها می‌توان به مصادره کالاها، حبس و در صورت لزوم امحای آنها اشاره کرد.

تاریخ نشان می‌دهد ظهور پدیده دولت ملت و مقررات چندگانه آن به طور مستقیم انواع و شیوه‌های مختلف تجارت غیرقانونی را تحت تاثیر قرار داده است. واژه‌های *trafficking* و *smuggling* به کرات به جای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما در عین اینکه دارای اشتراکاتی هستند تمایزاتی نیز دارند. باید تمایزی بین فعالیت‌هایی که تحت عنوان تجارت غیرقانونی انجام می‌شود صورت گیرد. تجارت غیر قانونی باید مطابق با ماهیت کالاهایی که مبادله می‌شود و نیز ماهیت خود تجارت متمایز شوند. دیوید روان معتقد است که کالاهای بازار سیاه *black goods* کالاهای غیرقانونی هستند اما *black parallel markets* کالاهای قانونی هستند که به صورت غیرقانونی تجارت می‌شود. چه چیزی فعالیت‌های فرامرزی را بر طبق قوانین ملی غیرقانونی می‌کند. *Smuggling* به معنی واردات و صادرات کالاهای قانونی برخلاف قوانین یک کشور خصوصا وقتی عوارض گمرکی پرداخت نمی‌شود یا وقتی که بخشی از مقررات رعایت نمی‌شود. قاچاق به توصیف تجارت کالاهایی می‌پردازد که فی نفسه غیرقانونی هستند، یعنی تجارت آن غیرقانونی است. بنابر این تجارت کالایی مانند هروئین به میزان زیادی از تجارت سیگار متفاوت است چون هروئین یک محصول غیرقانونی است و سیگار به صورت قانونی تولید و فروخته می‌شود. با این وجود قاچاق سیگار در جهان فراوان است در اتحادیه اروپا به علت تغییر زیاد عوارض و تفاوت سن مصرف قانونی از کشوری به کشور دیگر فراوان است. بنابراین عوارض، مقررات و ممنوعیت‌ها تا حدی تعیین می‌کنند کدام کالا قاچاق می‌شوند و کدام کالاها به صورت غیرقانونی تجارت می‌شوند خواه در سطح محلی، منطقه ای یا جهانی (Chouvy, 2013,5).

البته کالاهایی که توسط افراد فعال در شبکه‌های بین المللی قانونی تلقی می‌شوند احتمال بیشتر وجود دارد که قاچاق شوند یا به صورت غیرقانونی تجارت شوند در مقایسه با کالاهایی که غیرقانونی تلقی شده‌اند. یکی دیگر از تفاوت‌های مهم بین *smuggling* و *trafficking* به تجارت انسان بر می‌گردد. بر طبق نظر اداره مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد، *human smuggling* (تجارت انسان) و *human trafficking* (قاچاق انسان) تفاوت‌های مهمی دارند. در برخی جنبه‌ها اشتراک دارند. بر اساس پروتکل مبارزه با تجارت غیرقانونی مهاجران سازمان ملل متحد از طریق دریا، هوا و خشکی و نیز براساس تعریف کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی سازمان ملل *Smuggling* عبارتند از: تهیه و تدارک به منظور بهره مندی از مزایای مالی و سودهای مادی دیگر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از

ورود غیرقانونی یک فرد یا شیء به یک کشور دیگر می‌باشد. آن شخص تبعه ملی یا دائمی آن کشور نیست اما قاچاق انسان عبارتند از: استخدام، حمل و نقل، جابجایی، پناه دادن یا پذیرش افراد با ابزار تهدید یا استفاده از زور یا اشکال دیگر اجبار، آدم ربایی، فریبکاری، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب پذیر افراد، یا دریافت و دادن پول و سود برای کسب رضایت فردی که بر فرد دیگر کنترل دارد با هدف استثمار و بهره برداری. استثمار یا بهره برداری حداقل شامل بهره برداری از فاحشگی یا روسپیگری دیگران و دیگر فرمهای بهره کشی جنسی، نیروی کار اجباری، خدمات اجباری، بردگی و اعمالی شبیه بردگی، خدمت اجباری یا برداشت اعضای بدن انسانها را شامل می‌شود. بنابراین قربانیان قاچاق از روی رضایت به چنین چیزی تن نمی‌دهند و فعالیت قاچاقچیان از جمله فریبکاری و سوء استفاده آنها از قربانیان باعث می‌شود اگر قربانی در ابتدا رضایت اولیه داشت اما این رضایت بی معنا شود ماهیت اجبار و زور دارد. در Smuggling انسانها و اجناس قاچاق شده در نهایت به مقصدشان می‌رسند در حالی که Trafficking بهره کشی مستمر از قربانیان برای تولید سودهای غیرقانونی برای قاچاقچیان را در بر می‌گیرد. بسته به پیامدهای تجارت غیرقانونی بر کشورهای منبع، ترانزیت و مقصد، ابعاد و تاثیر Smuggling و قاچاق متفاوت است (Chouvy, 2013, 7).

از سال ۱۹۸۹ تغییرات فراگیری در صحنه بین المللی رخ داده است. در خلال این مدت جهان شاهد دگرگونی مفهوم و چارچوب امنیت ملی و تغییر بازیگران بین المللی بوده است. این تحولات بیانگر این است که از دیدگاه مفهومی، این دگرگونی در روابط بین الملل سه مرحله داشته است که عبارتند از: کاهش حاکمیت ملی، افزایش وابستگی متقابل و کشمکشهای بی نظم و هرج و مرج گونه. در مرحله اول یعنی کاهش حاکمیت ملی شاهد کاهش کنترل معنادار حکومتها بر آنچه در درون مرزهایشان می‌گذرد. سایر نیروها مشغول غصب بسیاری از نقشهای سنتی حکومتهاست. امروزه عقاید، فناوری، انسان، کالا بیش از هر زمان دیگری آزادانه در حال عبور از مرزها می‌باشند. دگرگونی چارچوب امنیت ملی در دوره جدید در سه مرحله زیر قابل ترسیم است: در مرحله کاهش حاکمیت ملی شاهد ظهور بازیگران غیردولتی و نفوذپذیری مرزها، تجزیه ملتها، خوداتکایی کمتر در سطح ملی و گسترش تکنولوژی و پخش قدرت هستیم. در مرحله دوم یعنی بالارفتن وابستگی متقابل بین المللی شاهد حرکت از نظام دوقطبی به چند منظومه ای، افزایش موج منطقه گرایی، یکسان شدن سلیقه‌ها و فن آوری و استاندارد شدن سیستمهای تسلیحاتی، افزایش مهاجرت و گسترش دموکراسی و آزادی مذهب هستیم. در سطح سوم شاهد افزایش منازعات قومی و مذهبی، افزایش تنشهای مشهود فراملی و فراملی و افزایش کشمکشهای غیرسنتی کم شدت می‌باشیم (عزتی، ۱۳۸۱: ۴۱۹-۴۲۰). بیت (۱۹۸۸) مدلی از قاچاق را پیشنهاد می‌دهد که متشکل از همزیستی قاچاق، تجارت قانونی و نابرابری قیمت است. بر اساس این تعریف، نابرابری قیمت می‌تواند با مقایسه قیمت‌های داخلی کالاها با مقدار ارز داخلی محاسبه شود که از طریق تجارت قانونی بدست آید. وجود نابرابری قیمت می‌تواند شاخصی از وجود قاچاق باشد. وی بر سلطه قاچاق صنعتی یا فنی در اندونزی تاکید می‌کند. بر طبق نظر وی، هر چه تجارت قانونی بیشتر باشد پنهان کردن قاچاق از نظارت عوامل اجرایی راحت تر است و برای عوامل قاچاق، به طور

طبیعی قاچاق کمتر هزینه دارد. به علاوه، وی معتقد است مقدار تجارت قانونی و درآمدهای مالیاتی دولتی ناشی از آن در حالتی که قاچاق وجود دارد فراتر از شرایطی است که قاچاق وجود ندارد. در نهایت نتیجه می‌گیرد که سیاست اقدام موثر و کامل بر علیه قاچاق ممکن است سطح تجارت قانونی را افزایش ندهد. ولی بگواتی وهانسن معتقد بودند که در صورت وجود فعالیت قاچاق در اقتصاد ما میزان کمتری از رفاه و شکوفایی اقتصادی را شاهد خواهیم بود چون به علت قاچاق درآمدهای عمومی دولت کاهش می‌یابد (Farzanegan, 2008, 5)

مناطق مستعد ناامن پیرامونی ایران

با نگاهی به چشم انداز مناطق مستعد ناامن داخلی ایران، چهار ویژگی بارز بین آنها به چشم می‌خورد:

۱- در گستره سرزمینی کشور، مناطق ناآرام یا مستعد برای ناامنی با هدف‌های گوناگون و اگرایی در حاشیه‌ها قرار دارند

۲- حاشیه شرقی و جنوب شرقی، تحت تاثیر مستقیم ناامنی‌های ناشی از مواد مخدر و شرارت هستند

۳- حداکثر ناآرامی‌های ناشی از اختلافات مذهبی نیز در حاشیه‌های کشور مشاهده می‌شود

۴- استانهای مرزی سیستان و بلوچستان، خراسان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، خوزستان، هرمزگان فضاهای سرزمینی تحت حاکمیت دولت ایران را تحت تاثیر قرار داده است و آن را به لحاظ اقتصادی و امنیتی ناامن ساخته‌اند. در واقع تامین امنیت درازمدت ملی و کشوری به ویژه مناطق حاشیه ای و تداخل‌های قومی- مذهبی جمعیت مرزی با فضاهای سرزمینی همسایگان و ارتباط امنیت کشوری و ناحیه ای با صدور و ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا و تعامل کانون‌های پایدار ناامنی ایران با کشورهای همجوار، سه چالش امنیتی در برابر جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های آینده می‌باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۱۴-۲۱۵).

امنیت ملی داخلی یا حاشیه‌های مرزی ایران از یک سو تحت تاثیر منابع تنش دو یا چند جانبه با کشورهای همجوار است و از سوی دیگر محیط استراتژیک ایران از جمله امنیت ملی آن در معرض حوزه‌های متعدد ژئوپلیتیک بیرونی است. در عین حال فضای سرزمینی ایران به دلیل آنکه مکمل استراتژی‌های ژئوپلیتیک کشورها و قدرتهای پیرامونی است، در جذب و تداوم برخی ناامنی‌ها، به خودی خود به ایفای نقش می‌پردازد. مناطق شکننده و بی ثبات پیرامونی کشور که اغلب ناشی از تلاقی علایق و منافع قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای است، باعث دغدغه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در خصوص تروریسم و قاچاق شده است. عدم رشد دموکراسی و ناپایداری دولت - ملت‌های مناطق پیرامونی ایران و امتداد قومی و مذهبی آنها تا داخل ایران و وجود بزرگترین قطب تولید تریاک در افغانستان و گسترش پدیده قاچاق و تروریسم، بر آسیب‌پذیری ایران افزوده است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۱۶-۲۱۷).

عوامل و زمینه‌های اصلی شکل‌گیری اقتصاد غیر رسمی در ایران

۱- اقتصادی

فروش کالاهای قاچاق منجر به رقابت کم هزینه می‌شود و به ضرر تجار قانونی تمام می‌گردد. یک سوم کالاهای وارداتی در ایران از طریق بازار سیاه و اقتصاد زیر زمینی و حمل و نقل غیر قانونی وارد کشور می‌شود. بزرگترین

بازارهای سیاه در ایران عبارتند: از قاچاق مواد مخدر (۸,۵ میلیارد دلار)، قاچاق نفت (۳,۱ میلیارد دلار)، حدود ۲۰ میلیون لیتر سوخت در روز از سال ۲۰۱۴، قاچاق الکل (۹۱۲,۵ میلیون دلار)، قاچاق سیگار (دو میلیارد دلار)، تن فروشی، قاچاق اسلحه، فساد، فیلم‌های غیر مجاز وارد شده و بسته‌های نرم افزاری نقدی (۱ میلیارد دلار) قاچاق پدیده ای است که کم و بیش تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند؛ اما این پدیده در کشورهای در حال توسعه و در کشور ما وسعت بیشتری دارد. در حال حاضر، قاچاق بخش عمده ای از اقتصاد کشور ما را در بر می گیرد. در ایران دامنه و حجم قاچاق کالا نسبتاً بالاست به گونه ای که می توان گفت چشم اندازی بسیار نگران کننده پیش روی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ترسیم کرده است (قلی زاده، علی پور و ذوقی بارانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

رئیس گمرک ایران برآورد می کند که ۱,۵ تا ۲ میلیارد دلار کالا سالانه به داخل کشور قاچاق می شود مجله موسسه مطالعه و تحلیل تجارت می نویسد حجم کلای قاچاق به داخل کشور بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار است. کالاهای قاچاق طیفی از کالاهای کشاورزی، نظیر شکر، غلات، روغن زیتون تا کالاهای دستگهای صنعتی، چای و سیگار را شامل می شود که به صورت قاچاق وارد کشور می شوند. قاچاق غیرقانونی گازوئیل، آرد و دیگر کالاهای یارانه ای نیز از ایران به خارج از کشور قاچاق می شوند. این کالاهای از طریق خلیج فارس به پاکستان، ترکیه، عراق و جمهوری‌های آسیای مرکزی قاچاق می گردد. برآوردها نشان می دهد که بیش از ۴۰ میلیون دلار زعفران از ایران در هر سال قاچاق می شود (Erami & Keshavarzian, 2015, 139).

تمایل فزاینده مصرف داخلی کالاهای خارجی و فقدان تنوع در بازار کالاهای خارجی منجر به افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی قاچاق شده است. زیبایی و نوآوری در رنگها و طراحی کالاهای با کیفیت بالا در مقایسه با کالاهای داخلی و افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان در افزایش قاچاق کالا موثر است. تبلیغات بزرگ مقیاس نیز از عوامل موثر در افزایش تقاضا برای قاچاق کالاها در داخل کشور است. توسعه و افزایش دسترسی به رسانه‌های فراملی راه را برای تبلیغات کالاهای خارجی هموار ساخته است. تبلیغات تجاری و بازرگانی نقش موثری را در خلق نیاز به کالاها در داخل ایفا می کند. مسئله دیگری که باعث گسترش قاچاق در کشور می شود قیمت‌های متناقض و متفاوت کالاها و خدمات در داخل و خارج کشور است. قیمت کالاها در داخل و بیرون بازار یکسان نیستند در صورتی که قیمت کالاها در داخل و بیرون بازار یکسان باشد انگیزه برای کالاهای قاچاق فروکش می کند به علت اینکه قیمت کالاهای داخلی به علت یارانه‌های دولتی و کمتر از قیمت کالاها در کشورهای همسایه است خود به خود منجر به خروج کالاها می شود. تفاوت بین نرخ ارز و نرخ بازار آزاد (نرخ غیر رسمی) منجر به این می شود تا قاچاق کالا بسیار سودآور باشد. سیستم اداری غیر کارآمد از دیگر عواملی است که مجموعه ای از مشکلات را ایجاد می کند و تجارت قانونی کشور را دچار بحران می کند (Rostami, 2016, 4-7 And Mamazizi).

رواج قاچاق کالا و تاثیر سوء آن به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه، موجب اخلال در اعمال و اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولتی شده و آثار و پیامدهای منفی بر اقتصاد کشور تحمیل می کند (دلایلی، قره داغی

و عباسی، ۱۳۹۴: ۱). قاچاق کالا به طرق مستقیم و غیر مستقیم، امنیت ملی کشورها را تهدید می‌کند. اصولاً اهداف مختلفی از قاچاق کالا دنبال می‌شود. از جمله اهداف و انگیزه اصلی قاچاق سودآوری است و قاچاقچیان برای نیل به این هدف تمامی اصول اخلاقی، ملی و مذهبی را زیر پا می‌گارند (دالایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲).

۲- موقعیت جغرافیایی ایران

جمهوری اسلامی ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورد دار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت همجوار است. این کشور از جنوب با دولت‌های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان، از غرب با ترکیه و عراق همجوار است. چنین موقعیت جغرافیایی و فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولتهایی قرار داده است که به طور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند. کشورهای اطراف ایران در شمار دولت‌های بسیار ناپایدار تا ناپایدار، توسعه نیافته، دچار تنگناهای ارتباطی، کثرت نظام‌های غیردموکراتیک پیرامونی، و تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیک هستند. دولت‌های بسیار ناپایدار، در شمار واحدهای سیاسی مستقلی هستند که با تهدیدهای ناشی از برهم خوردن وحدت ملی و تمامیت ارضی خود مواجه‌اند و دومین ویژگی همسایگان ایران، کمتر توسعه یافتگی اقتصادی اجتماعی اغلب آنهاست. این چشم انداز به موازات تداخل علایق و منافع این ملتها در یکدیگر، اندک بودن تعاملات تجاری و اقتصادی، وجود ناهمگنی‌های فرهنگی، مذهبی و حضور درازمدت قدرتهای فرامنطقه‌ای بر پیچیدگی اوضاع سیاسی، اقتصادی و امنیتی پیرامون ایران افزوده است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲-۳۱). پیوندهای قومی، خویشاوندی و تجاری برخی از ایرانی‌ها با کشورهای پاکستان، عمان، امارات متحده عربی، پاکستان، کردستان عراق، عراق و ترکیه در گسترش تجارت چمدانی و قاچاق نیز سهم می‌باشد. قاچاق در ایران به دلایل مختلفی گسترش یافته است نخست، موقعیت جغرافیایی و مرزهای پرمنفذ و طولانی که باعث شده حمل کالاهای قاچاق به داخل و خارج از ایران تسهیل شود. مرزهای دریایی و مرزهای کوهستانی کمتر قابل کنترل هستند. در دو دهه گذشته، جنگ و ناامنی در کشورهای افغانستان، عراق و شرق ترکیه و توسعه مناطق آزاد تجاری در خلیج فارس خصوصاً در امارات متحده عربی کارکرد مرزها را شبیه مناطق سرحدی تبدیل کرده است (Erami & Keshavarzian, 2015, 139).

مرزها کارکردهای امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی، سیاسی و فرهنگی دارند و دولتها در کنترل و مدیریت ارتباط و تعامل با دولتهای همسایه با دولتهای مجاور و غیر مجاور، از آن سود می‌برند. در شرق، ایران با کشور افغانستان و پاکستان هم مرز است. مرزهای شرقی ایران از دهه‌های گذشته مرکز مبارزه با قاچاق مواد مخدر و کالا و سوخت بوده است. افغانها مواد مخدر را تولید و از راه ایران به اروپا صادر می‌کنند. و این مسئله امنیت ایران و کشورهای منطقه را به خطر انداخته است. در غرب، ایران با ترکیه و عراق هم مرز است. مرز ایران و عراق ۱۶۰۹ کیلومتر طول دارد که از نظر جغرافیای سیاسی یکی از بدترین مرزهاست (عزتی، ۱۳۸۱: ۸). فضای سرزمینی ایران در اشکال معبری، حایلی یا قومی مذهبی، مکمل ژئوپلیتیک و یا استراتژی همسایگان و قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای

است. علاوه بر این، قابلیت نفت و گاز و بازار بزرگ داخلی ایران، در میزان توجه و جلب قدرتهای بزرگ تجاری به ایران موثر بوده است. انطباق فضای سرزمینی ایران با معبرهای اصلی ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا به اروپا و همسایگان ایران و برعکس، و نیز همجواری این فضا با قطب اصلی تولید تریاک جهانی واقع در جنوب و مرکز افغانستان و شمال غرب پاکستان در ناامن سازی بارز حاشیه‌های شرقی و جنوب شرقی کشور نقش بی بدیلی ایفا می‌کند. طالبان و آمریکا تنها دولتهایی هستند که از کشت مواد مخدر و تولید تریاک حمایت می‌کنند علاوه بر چرخه پیچیده و اقتصادی تولید، صدور و پخش این مواد و سودهای کلان هدایت کنندگانش، مانعی جدی برای شکست در مبارزه با آن و قاچاق کالا می‌باشد. تداخل و درهم آمیختگی قومی، زبانی و مذهبی حاشیه فضاهای سرزمینی ایران و فضاهای سرزمینی قومی و مذهبی کشورهای همجوار زمینه ساز آغاز و گسترش بحرانهای موقت یا دوره ای منطقه ای و حتی سراسری در ایران بوده است (کریمی پور ۱۳۷۹: ۲۱۳).

جدول شماره (۱) کشورهای مبدأ و مقصد قاچاق در آسیای جنوبی، مرکزی و آسیای جنوب غربی

	کشورهای مبدأ قاچاق					کشورهای مقصد قاچاق					
	مواد مخدر	انسان	انسان	چوب حیوانات	قاچاق بدلیجات	مواد مخدر	انسان	اسلحه	حیوانات	چوب	قاچاق بدلیجات
بنگلادش											
افغانستان							مواد مخدر		حیوانات		
کامبوج											
چین											
هند											
لائوس											
مالزی											
امارات متحده عربی											
ترکیه											

منبع: (Chouvy, 2013,8).

مرزهای کشور همواره محل داد و ستد غیر قانونی کالا بوده است و ساکنان مناطق مرزی اغلب افرادی هستند که زمینه‌های مساعد برای اشتغال سالم نمی‌یابند و به همین جهت به قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی برای کسب درآمد

روی می‌آورند. آن گروه از ساکنان مناطق مرزی که خواستار کسب درآمدهای مناسب از فعالیتهای سالم اقتصادی بوده‌اند، اغلب به لحاظ نیافتن زمینه‌های اشتغال مولد، این مناطق را رها کرده و به حاشیه شهرهای بزرگ مهاجرت کرده یا به قاچاق روی می‌آورند. قاچاق و مهاجرت ساکنان مناطق مرزی غالباً زمینه را برای از بین بردن امنیت و صلح فراهم می‌سازد و لذا حفظ ترکیب جمعیتی مناطق مرزی و توسعه و رونق فعالیتهای اقتصادی در این مناطق از نظر حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور اهمیت دارد (عزتی، ۱۳۸۱: ۴۳۰). طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که منطبق بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی، شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه ای، جنگلی، استپی، دریاچه ای و دریایی است. کنترل استراتژیک یا امنیتی این مرزهای طولانی آبی و خشکی آسان نیست. تردهای غیرمجاز، قاچاق کالا و مواد مخدر، تهدیدهای محلی و درگیری‌های مسلحانه در نوار و حاشیه مرز، تهدید شهرهای مرزی، آسیب رسانی به شناورها از سوی دولت‌ها و ملت‌های همجوار، صیدهای غیر مجاز و ده‌ها جرم دیگر باعث شده است کنترل مرزها با وجود این موارد به سختی امکان پذیر باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

۳- اجتماعی و فرهنگی

در ایران تعابیر مختلفی در خصوص فعالیتهای اقتصادی غیر رسمی و غیر قانونی نظیر قاچاق به کار برده می‌شود. اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیر رسمی، بازار سایه، چتربازی، بنجل (pilihvari)، قاچاق قانونی، تجارت چمدانی و حتی بازار آزاد از جمله اصطلاحاتی هستند که برای توصیف فعالیت غیر رسمی در کشور استفاده می‌شود. قاچاق به مثابه واردات محفیانه کالاهای قاچاق از یک سرزمین به سرزمین دیگر است یا عدم پرداخت مالیات بر کالاها از طریق دور زدن کنترل‌های مرزی است. تاثیرات قاچاق به لحاظ اقتصادی و سیاسی متعدد بوده و بسیار مهم می‌باشد. قاچاق موجب از دست رفتن درآمدهای عمومی می‌شود، ساختار داخلی جامعه را از طریق نهادهای غیرقانونی قدرتمند تحت تاثیر قرار داده و الگوهای فساد را تغییر می‌دهد. به علاوه قاچاق، تاثیر منفی بر شاخص‌های رسمی نظیر رشد و توزیع درآمد دارد. قاچاق فعالیت است که برای بدست آوردن درآمد از طریق حمل کالاهای غیر قانونی از طریق مرزهای کشور و با نقض قوانین موجود صورت می‌گیرد و از طریق رشوه و اشکال دیگر فساد، به دنبال تولید درآمد با طفره رفتن از مقررات و پرداخت هزینه‌های دولتی هستند. قاچاق در کلان اقتصادی ماهیت مجرمانه دارد. جنبه‌های مالی قاچاق توجه بسیاری از اقتصاددانان را جلب کرده است (Cheraghi, & Heidari, 2016, 1-30).

بیکاری، توسعه نیافتگی و محرومیت ساکنان نواحی مرزی، کاهش میزان اشتغال رسمی، توجیه کننده و دلیل افزایش میزان فرصتهای شغلی در اقتصاد غیر رسمی و کالاهای قاچاق می‌باشد. افزایش تقاضا برای نیروی انسانی و کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش غیر رسمی شود. از این رو کاهش فرصتهای شغلی در اقتصادی رسمی توجیه کننده افزایش قاچاق خصوصا در نواحی مرزی است. بیکاری با پیامدهای اجتماعی نیز همراه است حتی می‌تواند عامل تشدید کننده و منشاء فسادهای اجتماعی و در خوشبینانه ترین حالت منجر به توسعه دلالی و قاچاق می‌شود. پس بیکاری پیوند مستقیم با افزایش کالاهای قاچاق

دارد. تغییر الگوی مصرف جامعه به سمت مصرف کالاهای لوکس خارجی، توسعه وسایل ارتباط جمعی، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، مسافرت خارجی، طیف متنوع تبلیغ کالاهای خارجی در مغازه‌ها و مکانهای مختلف در کشور و دسترسی سریع اطلاعات مرتبط به ارائه محصولات جدید باعث می‌شود مصرف‌کنندگان به اطلاعات به روز در سطح جهان دسترسی پیدا کنند. کیفیت، قیمت و تنوع کالاهای خارجی تقاضا برای کالاهای خارجی را افزایش می‌دهد. در زمینه مصرف کالاها سه رویکردی نظری وجود دارد: نخست، مصرف‌کننده فعال و مصرف را نوعی دستکاری از طرف قدرت می‌داند. در رویکرد دوم، نگاه به مصرف را واسطه‌ای برای ارتباط می‌داند. مصرف در این رویکرد نوعی رقابت و ارتباط است. و در رویکرد سوم مصرف یک محصول ثانویه است مصرف‌کننده با رفتار مصرفی خود شروع به نوآوری می‌کند. عواملی نظیر افزایش درآمد، تبلیغات، ضعف کیفیت محصولات داخلی و دیگر عوامل منجر به تغییر الگوی مصرف جامعه به سمت مصرف کالاهای لوکس و مصرفی شود. تقاضای فراوان برای کالاهای خارجی و درآمد قابل توجهی که از طریق واردات غیرقانونی و فروش کالاهای قاچاق بدست می‌آید دامنه و مقدار ورود کالاها را افزایش داده است. فرهنگ مصرف به مردم انگیزه می‌دهد تا کالاهای خارجی را بیشتر مصرف کنند (Aghazadeh, et al. 2017, 4).

تبدیل یا دگرگونی قاچاق به فرهنگ محلی. عدالت اجتماعی در این حوزه به معنی حضور فرصت‌های برابر در آموزش و مهارت دسترسی به سرمایه مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب است. ساکنان مناطق مرزی روابط اقتصادی با ساکنان ماورای مرز داشته و همیشه سطحی از تعاملات بین آنها وجود داشته است اما بعد از اعمال محدودیت‌های شدید تجاری و کنترل مبادلات قاچاق کالاها، قاچاق در بین ساکنان مرزی بیشتر می‌شود. قاچاق چگونگی اجرای قوانین را تحت تاثیر قرار داده و به علت شرایط اقتصادی نامناسب، خیلی از افراد فکر می‌کنند قوانین تجاری ناعادلانه است و نقض قوانین را توجیه می‌کنند فقدان منع قانونی درباره تجارت غیر رسمی و قاچاق از طرف بزرگسالان و روحانیون مذهبی در نواحی مرزی منجر به این شده است قاچاق به یک روش سودآور کسب درآمد و فرصت شغلی و نیز به یک خرده فرهنگ و دارای ارزش اجتماعی تبدیل شود (Cheraghi, & Heidari, 2016, 4).

به طور کلی مهم ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر در ترویج و گسترش قاچاق عبارتند از: فرهنگ مصرف، سنت قاچاق، تردد مرزنشینان، عدم آگاهی مسئولان مربوطه، ممنوعیت برخی کالاها در بین کشورهای مختلف، تجمل گرایی، رشد فرهنگ مصرف کالاهای خارجی، وجود تبلیغات گسترده از سوی رسانه‌های گروهی خارجی، کمبود فرصت‌های اشتغال، کم توجهی به هویت ملی و مذهبی.

۴- اداری و سیاسی

عوامل سیاسی و اداری به نهادهای درون حاکمیت و عناصر اداری مرتبط با مقوله قاچاق اشاره دارد. افزایش یارانه کالاهای اساسی نظیر نفت و بنزین، گندم، و دیگر یارانه‌ها به ایجاد تفاوت بین قیمت‌های داخلی و قیمت‌های جهانی منجر می‌شود و این تفاوت قیمت انگیزه‌ای برای تجارت قاچاق از کشورهای دارای قیمت داخلی کمتر از

قیمت‌های جهانی به سمت کشورهای دیگر می‌شود (مانند قاچاق سوخت، احشام و... از ایران به همسایگان). افزایش دخالت دولت در بازار و بزرگ شدن دولت به توسعه فعالیت‌های قاچاق منجر می‌شود. واردات بدون مجوز توسط برخی دستگاه‌ها و فشار و نفوذ آنها برای رانت جویی می‌تواند زمینه ساز قاچاق شود. گاه سازمانهایی که امکان عبور آنها از مرز بدون اجازه گمرک میسر است و امر واردات هم ارتباطی با وظایف آنان ندارد به توزیع محصولات خارجی در بازار داخلی می‌پردازند. پس آمیخته شدن منافع سازمانی با قاچاق یا دخالت در امور اقتصادی شبیه به قاچاق، امر مبارزه با قاچاق را تضعیف می‌کند (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

قاچاق می‌تواند واکنش به نوع آزاد سازی تجاری یا مداخلات اقتصادی باشد. واردات کالا تابع عوارض و مالیات تجاری است و هزینه‌های تجاری را از طریق سیستم رسمی بالا می‌برد اما روش اصلی کاهش واردات و حفاظت از تولیدات محلی در دهه ۱۹۸۰، استفاده از موانع تعرفه‌ای نظیر ممنوع ساختن واردات کالاهای گزینشی و الزامات صدور مجوز بود. صدور مجوز خاص یا موردی به برخی از سازمانهای دولتی هم اجازه معافیتها و توزیع آنها را به مثابه حمایت می‌دهد. ۳۰ مرکز و نهاد مجوز واردات کالا صادر می‌کنند. تجار و فعالان اقتصادی گلایه می‌کنند که تعدد و کثرت مراجع صدور مجوز باعث تضعیف پاسخگویی و شفافیت در این فرایند می‌شود. آزاد سازی تجاری در ایران که پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در کشور اجرا شد نه تنها باعث کاهش قاچاق نشد بلکه شیوه جدیدی از قاچاق و فعالیت‌های غیرمولد را دامن زد. کاهش مالیات‌ها و مقررات دولتی تاثیر منفی بر خدمه و کارکنان دولت و صنایع دولتی دارد (Erami & Keshavarzian, 2015, 139).

در عصر جهانی شدن با وجود رشد جامعه بین‌المللی، طیفی از بازیگران جنایی غیر دولتی نظیر تروریستها، جرایم سازمان یافته، راهزنی و کمپانی‌های بین‌المللی فعال در عرصه تجارت برده و سلاح، کشورهای مختلف جهان را در معرض تهاجم و تهدید قرار داده‌اند. بسیاری از این گروه‌های قدرتمند مجهز به فناوریهای نوین و بهبود یافته‌اند. در نتیجه یک معضل بغرنجی برای جامعه بین‌المللی و امنیت ملی کشورها ایجاد شده است. این تهدیدات روحیه هماهنگی بین کشورها را تضعیف می‌کند در حالی که پایگاه و تماس آنها در کشورهای میزبان را تقویت می‌کند و کشورها نیز بر سر اقدامات اقتصادی، سیاسی و قانونی کافی برای مبارزه با تروریستها، جنایتکاران و قاچاقچیان دچار منازعه و اختلاف می‌شوند. یکی از فعالیت‌های تبهکارانه‌ای که بازیگران تبهکار غیر دولتی انجام می‌دهند قاچاق کالاها خدمات و مردم است. اغلب، این تجارت غیرقانونی باعث ایجاد فلاکت برای بسیاری از مردم می‌شود و اقتصاد کشور را مختل می‌کند. پیامدهای قاچاق تا مدت‌ها باقی می‌ماند و ثبات سیاسی و اقتصادی جهان و کشورهای خاص را دچار زوال می‌کند. لذا کشورها سعی می‌کنند ابتکارات و اقدامات همگرایانه چندجانبه یا دوجانبه را در مبارزه با سرقت و قاچاق بین‌المللی بسیج کنند (Thachuk, 2007, 1-30).

در مجموع، ضعف‌های حقوقی و قانونی دیگری نظیر انبوه قوانین، نقش عوامل قانونی و قضایی و فعالیت‌های دادرسی، ناهماهنگی در مبارزه با قاچاق و عدم مقابله منسجم بین سازمانها و تفاوت دیدگاه مرزبانان ایران و همسایگان ایران

درباره قاچاق و مصادیق آن از جمله عوامل ناکامی و عدم مهار پدیده قاچاق در کشور است. واحدهای اداری مشخص برای مبارزه با قاچاق کالا در کشور نیز وجود ندارد.

۵- حقوقی و قانونی

مارتین و پاناگاریا (۱۹۸۳) در تحقیق خود نشان دادند که اجرای قوانین ضد قاچاق هزینه‌های واقعی قاچاق در هر واحد و قیمت داخلی واردات را افزایش می‌دهد اما میزان یا مقدار کامل و سهم واردات غیر قانونی در کل واردات را کاهش می‌دهد. نورتون (۱۹۸) مدل نظری برای قاچاق کالاهای کشاورزی در کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا با تکیه بر جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی ارائه می‌کند. وی هزینه حمل و نقل و نیز احتمال کشف کالای قاچاقی در هنگام قاچاق را در مدل خود در نظر می‌گیرد و نشان داد که هرچه نرخ مالیات افزایش یابد انتخاب بهینه کالاهای قاچاقی و تعداد شرکت‌هایی که در این امر دخیل و مشغولند را افزایش خواهد داد. وقتی نرخ‌های مالیات افزایش می‌یابد قاچاقچیان رانت‌های مورد انتظار خود از قاچاق را افزایش می‌دهند و حاشیه سود برای قاچاق پرسود گسترده می‌شود. افزایش نرخ جریمه‌ها در صورت کشف قاچاق، ارزش سودهای قابل انتظار شرکتها و عوامل قاچاق را کاهش می‌دهد. پس رابطه منفی بین نرخ جریمه‌های کالاهای قاچاق و مقدار کالاهای قاچاقی وجود دارد و از سوی دیگر، پیوند مثبتی بین افزایش مالیات و تعرفه بر کالاهای وارداتی و مقدار محصولات قاچاق وجود دارد. ترزبای و همکاران (۱۹۹۱) تاثیرات ساختار بازار و اجرای قوانین بر قاچاق و رفاه ملی را بررسی کردند. در مدل آنها چنانچه، تاثیر قیمت قاچاق بزرگتر از هزینه آن باشد این احتمال وجود دارد که قاچاق سبب بهبود رفاه شود. آنها در پایان نتیجه‌گیری می‌کنند که با افزایش شدت اقدامات قانونی بر علیه قاچاقچی‌ها، دولت رفاه جامعه را بهبود می‌بخشد (Farzanegan, 2008, 6).

از مهم ترین ضعف‌های حقوقی و قانونی در مبارزه با قاچاق می‌توان به ناهماهنگی دستگاه‌های کاشف، ناهماهنگی فعالیتهای مبارزه با قاچاق و مشکلات مرزبانان و ضعف نظارت گمرکی اشاره کرد. اصولاً قاچاق کالا یا از مبادی غیرگمرکی و راه‌های غیرمجاز و خارج از نظارت نیروی انتظامی انجام می‌شود یا از طریق محدودیتهای گمرکی و با استفاده از روشهایی مانند کم‌نمایی ارزش کالا، اظهار غلط، جاسازی کالا در قالب کالایی دیگر، تخلیه ترانزیتی در داخل کشور و غیره صورت می‌گیرد. مبارزه با قاچاق کالا از نظر تشکیلاتی، اجرایی و سیاست‌گذاری در دو محور انجام می‌شود: از نظر اجرایی مسئولیت با نیروی انتظامی است که آن را در کنار سایر وظایف خود انجام می‌دهد. برای مبارزه با قاچاق کالا، سازمان مستقلی وجود ندارد. یکی از شرایط کارایی مبارزه با قاچاق، وجود نیروی انسانی متخصص و تجهیزات مناسب است (سپهری، ۱۳۷۷: ۹-۱۱). از جمله قوانینی که در جمهوری اسلامی ایران جهت مبارزه با فساد وضع شده است عبارتند از:

قانون مبارزه با فساد: اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت ایران را موظف می‌کند تا برای تحقق اهداف مطرح شده در بند دوم، همه امکانات لازم برای مبارزه با انواع فساد را بکار گیرد.

- اصل جلوگیری از انحصار اقتصادی: از جمله دلایل اصلی قاچاق، پدیده انحصار است. اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف نموده است از همه امکانات لازم برای نابودی و پاکسازی همه اشکال استبداد و انحصار بکار گیرد.

- اصل سوم همچون دولت را موظف می‌کند تا همه تلاشهای خود را برای نابودی تبعیض‌های ناعادلانه و فرصتهای اقتصادی برابر برای همه در زمینه‌های مادی و معنوی بکار گیرد. کاهش فقر باعث کاهش قاچاق می‌شود. اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف می‌کند از همه تلاشها و امکانات خود برای تحقق برنامه‌ریزی اقتصادی و عادلانه مناسب بکار گیرد (Jeshfaghani, And Mohammadi Soheili, ۵).

نرخ جریمه رابطه منفی با میزان قاچاق در همه کالاها دارد. افزایش نرخ ارز رسمی برای صادرات کالاهای ایرانی می‌تواند مطلوب باشد. وقتی محصولات ایرانی صادر و ارز خارجی دریافت می‌کنند، آنها می‌توانند این ارز را مبادله کرده و ریال بیشتری بدست آورند اما برای واردکنندگان قانونی، بار مالی اضافی تلقی می‌شود. چون باید ریال بیشتری بپردازند تا ارز خارجی مورد نیاز برای کالاهای وارداتی پرداخت کند و واردات کالاها به صورت قانونی را هزینه بر می‌سازد. قاچاق چیان و باندهای مجرمانه در اغلب موارد تجارت غیر قانونی خود را از طریق بازار سیاه تامین مالی می‌کنند. با افزایش نرخ ارز در بازار سیاه، هزینه تامین مالی قاچاق افزایش می‌یابد و منجر به میزان پایین واردات کالاهای قاچاق صنعتی به ایران می‌شود. فرار از پرداخت مالیاتهای قانونی می‌تواند اقتصاد سایه تلقی شود (Farzanegan, 2008, 6).

قاچاق در چین

عمل قاچاق در سواحل چین بیش از هر جای دیگری در جهان از گستردگی برخوردار بوده است و برای کنترل تجارت در چین بسیار ضروری بود که با آن مقابله شود چون اقتدار و حاکمیت دولت چین را به چالش می‌کشید. سواحل چین به طول ۹ هزار مایل از خلیج بوهای^۱ در شمال تا خلیج تونکین یا تانکین در جنوب گسترش یافته است. و کانون مهم توسعه صنعتی و اقتصادی چین می‌باشد. در حالی که چین کنترلها و محدودیت‌های شدیدی را در خصوص جابجایی بسیاری از کالاها اعمال کرد و مبارزه گسترده ای علیه راهزنی و شورشهای دریایی انجام داد ولی مالیات و مقررات اندکی در خصوص تجارت دریایی وضع کرد. در عین حال تجارت ساحلی به منبع حیاتی درآمدهای دولتی تبدیل شد چون دولت چین تعرفه‌هایی بر واردات وضع کرد و مالیاتها بر نمک و زمین را افزایش داد و به منبع درآمدی مهمی برای دولت مرکزی چین تبدیل شد. حکومت ملی گرای چین بر درآمدهای ناشی از تجارت خارجی و اعمال تعرفه‌ها تاکید داشت. حکومت کمونیست چین اولویت را بر دگرگونیهای سوسیالیستی نواحی داخلی و نواحی پیرامونی گذاشت اما همچنان مجبور شدند با قاچاق کالا که حاکمیت دولت بر اقتصاد را به مخاطره انداخته بود مقابله کنند. دولت مائو نیز کنترلهای شدیدی برای توقف قاچاق در عرص اصلاحات انجام داد (Thai, 2018, ۱-۲۰).

^۱ - Bohai

جنگ بر علیه قاچاق برای تحقق دولت سازی چین مدرن بسیار سازنده بود نه تنها تجارت غیر مجاز را سرکوب کرد بلکه ظرفیت دولت مرکزی را به چند شیوه توسعه داد. این سیاستها کمک کرد تا تعرفه‌ها منبع مالی حیاتی قابل اتکایی برای دولت چین فراهم کند. سیاستهای مرکزگرای برای تنظیم بهتر صادرات و واردات را در پی داشت و از این طریق به توازن مطلوب تر پرداختها و تحقق توسعه در کشور انجامید. باعث گسترش دامنه نفوذ و تماس نزدیک دولت در زندگی روزمره شد. در چین همانند سایر کشورهای جهان، قاچاق باعث تضعیف حاکمیت دولت به انحای مختلف می‌شود. در چین سرکوب و مبارزه با قاچاق به تقویت اقتدار دولت و تحکیم مرزهای ملی این کشور انجامد. دولت چین سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای در وضع مقررات، جمع آوری مالیات، نظارت‌های مرزی و ترسیم نقشه و مسیرهای مرزی و کنترل تجارت انجام داد. و فناوریهای نوینی در حمل و نقل، ارتباطات و جنگ برای نمایش قدرت خود در فواصل دور دست کشور مورد استفاده قرار داد و اقتدار خود بر نواحی پیرامونی را بیشتر کردند. تجربه یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه دیالکتیکی بین قوانین، دولت سازی و قاچاق در چین جدید وجود دارد (Thai, 2018, ۱۰-۲۰). تجارت غیرقانونی در کشورهای همسایه ایران بسیار فراوان، متنوع و پیچیده است. البته دو مورد از مهم ترین نوع تجارت غیر قانونی که مشخصه کشورهای پیرامون ایران و آسیای جنوبی و شرقی می‌باشد قاچاق مواد مخدر، قاچاق سوخت، قاچاق انسان و و کالاهای مهم دیگر می‌باشد. مناطق پیرامونی ایران و چین و هند فعالیت‌های قاچاق و تجارت غیر قانونی مهمی را تجربه کرده است. از جمله تجارت بین المللی در قاچاق اسلحه و مواد هسته ای و رادیواکتیو تا تجارت بین المللی قاچاق چوب، محصولات جنگلی و حیوانات در این کشورها گسترش یافته است. برخی از این نوع قاچاقها صدمات زیست محیطی به ایران وارد می‌کنند و برخی دیگر جنبه غارت گری داشته‌اند و برخی هر دو پیامد منفی را با خود به همراه دارند. با وجود این، دامنه، تنوع، ماهیت و مکانیسم‌های این پدیده به طور کافی مطالعه و درک نشده است. (Chouvy, 2013, ۱۳۷-۱۳۹).

پس از جنگ جهانی دوم، دولت ملی گرای چین، مقررات زمان جنگ از جمله تحریم‌های اقتصادی و دیگر محدودیت‌های اعمال شده تجاری با چین اشغال شده را لغو کرد. به جز کالاهای لوکس و محصولات تجملاتی دیگر که روابط دیپلماتیکی رسمی با چین نداشتند (از جمله کره و ژاپن) دولت چین اجازه داد مواد صنعتی برای بازسازی اقتصاد چین و نیازهای روزانه این کشور بدون تایید اولیه وارد شود. کمک خارجی پیشنهاد شده توسط اداره توانبخشی، و احیای سازمان ملل، بدون مالیات توسط چین پذیرفته شد. دولت چین معتقد بود که تسهیل محدودیت‌های وارداتی به کاهش کمبود کالاهای مصرف کننده کمک می‌کند و فشار تورمی ناشی از زمان جنگ را کاهش می‌دهد. اقتصاد جنگ زده نیازمند کالاهای وارداتی اساسی برای تامین نیازهای داخلی بود. زیرساخت‌های حمل و نقل که مادرشهرهای ساحلی را به سرزمینهای داخلی پیوند می‌داد بعد از جنگ با ظرفیت کامل کار نمی‌کردند؛ در نتیجه تقاضا برای واردات کالا به شدت افزایش یافت و خیلی سریع ذخایر ارزی خارجی چین را تهی نمود. همچنین تشدید منازعه با کمونیستها و پایه مالیاتی فروپاشیده چین، دولت این کشور را متوسل به کسری بودجه و کاهش تامین مالی و تامین کمبودهای درآمدی از طریق خلق یا چاپ پول کرد. در مجموع این سیاستها

منجر به ایجاد چرخه فاسدی شد که باعث تورم لجام گسیخته و افزایش شدید قیمت در شهرهای مختلف چین گردید. برای مثال در شانگهای، قیمت‌های کلی ۵۴۵ درصد در طول ۱۹۴۶ و ۱۳۶۷ درصد در طول سال ۱۹۴۷ افزایش یافت. تورم لجام گسیخته، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داد و مصرف کنندگان را تشویق کرد تا به دنبال راه‌هایی برای مصرف ارزها و پولهای بی ارزش شده خود باشند. در حالی که بی ثباتی اقتصادی ممکن است برای عده ای غیر مسئولیت پذیر سودمند باشد اما تورم لجام گسیخته در تمام نواحی ساحلی چین احساس می‌شد. فقرا به شدت تحت فشار قرار گرفتند در حالی که طبقات متوسط با چشم خود می‌دیدند که ارزش پس اندازهای سخت بدست آمده آنها رو به افول و نابودی بود. کارکنان، معلمان و دیگر اقشار نیز که با حقوق ثابت زندگی می‌کردند به شدت به علت تورم متضرر شدند. لذا مردم برای اینکه ارزش پولشان از دست نرود شروع به خرید کالای قاچاق کردند. این چرخه سریع ارز یا پول به تشدید تورم انجامید (Thai, 2018, ۲۲۷).

اقدامات چین در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

اقتصاد به هم ریخته که در زمان جنگ بر چین حاکم بود در دوران بازسازی پس از جنگ تداوم یافت. در واکنش به این شرایط اقتصادی ناگوار، دولت چین شرایط و مقررات خاصی را برای کنترل اقتصاد و توقف تورم اعمال کرد. علاوه بر قوانینی که محتکران و سفته بازان را تنبیه کرد، دولت چین همچنین یکسری اقدامات اقتصادی اضطراری از سال ۱۹۴۷ به منظور تنظیم تجارت خارجی اعمال نمود. یکی از اقدامات دولت چین، ساماندهی جریان سرمایه بود و از این طریق معاملات خصوصی ارز خارجی و فلزات گرانبها را ممنوع کرد. دولت معتقد بود با محدود کردن دسترسی به ارز خارجی، ارز در دسترس برای خرید واردات کالاهای غیر ضرور را محدود می‌کند. اقدام دیگری چین، ساماندهی جریان کالا بود و این اقدام را با سخت تر کردن و تحکیم سیاستهای وارداتی مجاز انجام داد. مقررات موقتی تجارت خارجی نیز از سال ۱۹۴۶ منتشر و اعمال شد و با یکسری بازنگری در سال ۱۹۴۷ در سرتاسر کشور اجرایی شدند. از این طریق، کنترل‌های اقتصادی زمان جنگ با استقرار مجدد برنامه طبقه‌بندی برای تشخیص طبقات مختلف واردات انجام شد. تجهیزات ماشینی و صنعتی دیگر که برای بازسازی زمان پس از جنگ مورد نیاز بود با محدودیت اندکی می‌توانست وارد شود. برخی کالاهای لوکس اجازه یافتند مشروط بر اینکه ۵۰ درصد اضافه مالیات به علاوه تعرفه‌های موجود کنونی بپردازند وارد چین شوند. دیگر کالاهای لوکس نظیر مواد غذایی دریایی، کالاهای دارای قطعات ابریشمی، وسایل آرایشی به شدت ممنوع شدند. هر چیز دیگری غیر از این مقولات یا دسته‌بندیها از مواد خام گرفته تا کالاهای مصرفی روزانه به آن مقداری که دولت تعیین کرده بود می‌توانست وارد شود. دولت چین، کمیته یا هیئت مدیره بازرگانی را برای مقررات موقت واردات و نظارت بر واردات، صدور مجوزها و تنظیم سهمیه‌ها یا حجم کالای وارداتی به وجود آورد. مجوزها غالباً به اتحادیه‌های مختلف تجاری به عنوان صنف یا رسته تجارت اختصاص یافت که به نوبه خود آنها هم بین شرکتهای مختلف در صنایع مربوطه توزیع می‌کردند. شرکتهای باید توسط این هیئت بازرگانی ثبت نام می‌کردند، درخواست مجوز می‌دادند و پذیرش و

تعهدنامه‌های خود را قبل از ترخیص کالاهای خود، دریافت می‌کردند. برای تشویق مشارکت در این طرح، دولت، شرکت‌های ثبت نشده را از دریافت این مجوزها محروم می‌کرد (Chouvy, 2013, ۱۳۷-۱۳۹).

دولت چین کالاها را براساس مقررات تجارت خارجه خود، به سه دسته تقسیم کرد: واردت کالاهای آزاد، واردات کالاهای دارای مجوز و واردات کالاهای ممنوعه. اجازه ورود کالاهای لوکس با ۵۰ درصد اضافه مالیات علاوه بر نرخ‌های تعرفه موجود. تعداد کل کالاهای ممنوعه ۲۲ کالای صادراتی بودند. همه کالاهای وارداتی به جز کالاهای ممنوع شده که مستلزم ارز خارجی نباشد یا ارزش کمتر از ۵۰ دلار دارند می‌تواند با مجوز وارد شوند. هیئت مدیره بازرگانی نیز برای نظارت بر صدور مجوز واردات و هماهنگ کردن مقررات ایجاد شد. اقدامات اقتصادی اضطراری از جمله ممنوعیت احتکار طلا و انتشار ارز خارجی صورت گرفت. مقررات تجارت خارجی منجمله سیستم اخذ گواهی وارداتی و مقرراتی که احتکار طلا و انتشار (گردش) ارز خارجی را ممنوع ساخت وضع گردید. عمل قاچاق به عنوان جرم تعریف شد و مجازات خدمت اجباری یا مرگ برای آن تعیین گردید. دولت چین مجاری تجارت مشروع و قانونی را از طریق کاهش مقدار یا سهمیه‌های وارداتی محدود نمود. وقتی ذخایر ارز خارجی به طور مستمر کاهش یافت دولت به طور همزمان حجم واردات را از ۱۷۲ میلیون دلار در طول ۱۹۴۷ به ۴۲ میلیون دلار در طول سالهای ۱۹۴۹ و بعد از آن کاهش داد یعنی کاهش ۷۵ درصدی (Spruyt, 2007, 35-211).

دولت چین در اجرای مقررات پیچیده تجاری با دشواری مواجه بود و تلاش می‌کرد محرک ساختاری تورم را مهار کند. حقوق و عوارض گمرکی بالا باعث تشویق قاچاق شد. کنترل‌های جدید بر روی تجارت همزمان با کمبودهای مزمن کالا و اقتصاد بی ثبات، فرصتهای واقعی برای سود بخش خصوصی در طول دوران بعد از جنگ در چین فراهم کرد. به باور محققان، محرک عمده برای قاچاق، پرداخت حقوق گمرکی نبود بلکه کنترل‌های تجاری بود. حجم واردات و محدودیت‌های دیگر بر واردات، فرایند اجرا را دشوار و قاچاق را نسبتاً جذاب کرد. تحت چنین شرایط بازاری، تجار تمایل نداشتند زیان بیشتری را تحمل کنند. ارز و پول در حال سقوط خود را صرف خرید کالاهای کمتر مورد نیاز کردند بنابراین چرخه فسادزای تورم را تشدید کردند فساد، راهبرد بقا برای کارکنان خط مرزی برای سود بردن از فرصتهای خلق شده به واسطه ترکیبی از کنترل‌های تجاری سخت و تقاضای بی‌امان برای واردات بود. در یک اقدام خاص، چهار عامل گمرک چین از تجار شش شرکت در عوض مجوز واردات کالا اخذی کردند. وقتی برنامه آنها لو رفت دولت چین با محکوم کردن تجار به زندانهای بلند مدت به اتهام رشوه و اعدام ماموران گمرک به جرم فساد واکنش نشان داد (Thai, 2018, ۲۲۷-۲۴۰). نقش بیکاری در گسترش پدیده قاچاق و اقتصاد سایه مهم است. به علت ماهیت پنهان قاچاق و فرار مالیاتی، قاچاق بخش بزرگ اقتصاد سایه است و درآمد دولت را کاهش می‌دهد. لذا بیکاری و فقر از جمله دلایل افزایش قاچاق در نواحی مرزی کشور می‌باشد. بین نرخ ارز رسمی و بازار سیاه ارتباط وجود دارد. رفتار وارد کنندگان و صادرکنندگان و انتخاب بین تجارت قانونی و قاچاق توسط آنها مبنای این تحلیل است. کالاهای قاچاق از ارز خارجی بازار سیاه استفاده می‌کنند که به واسطه کالاهای قاچاق صادراتی بدست آمده است. با توجه به اینکه واردات کالا و ترخیص برخی از کالاهای وارداتی تابع دریافت گواهی

یا مجوز از نهادها و وزارتخانه‌های مختلف است این فرایند طولانی اخذ گواهی باعث قاچاق می‌شود. عوامل فرهنگی و تمایل مردم به خرید کالاهای مصرفی و لوکس خارجی به علت فرهنگ مصرفی یکی دیگر از عوامل قاچاق می‌باشد. کالا و ارز قاچاق تاثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اقتصاد و امنیت کشور دارد از جمله این پیامدها می‌توان به بی اثر سازی یا خنثی سازی سیاست‌های اقتصادی دولت، تحمیل هزینه‌های ارزی بر کشور، افزایش هزینه واردات رسمی، اختلال تخصیص مناسب ارز توسط دولت برای واردات کالاهای اساسی می‌شود. همچنین تغییر و معیوب سازی الگوی مصرف اجتماعی، تضعیف و نابودی محصولات صنعتی داخلی و کاهش فرصت‌های شغلی و کاهش درآمد سرانه ملی و پخش الگوهای ناهنجار بیهوشی فرهنگی یا فرهنگی زیستی می‌شود (Rostami, 2016, 8 And Mamazizi).

پیامدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی قاچاق کالا و ارز در ایران

سطح پایین امنیت اقتصادی یکی دیگر از تاثیرات منفی قاچاق کالا و ارز در کشور است. امنیت اقتصادی از عوامل مهم شکوفایی بازار و حفظ سلامت بازار است فقدان یا ضعف امنیت اقتصادی، مشارکت اقتصادی و سرمایه گذاری در بخش‌های غیر دولتی را کاهش می‌دهد و زمینه را برای رشد و توسعه تجارت قاچاق فراهم می‌کند عدم مشارکت آنها در تولید و سرمایه گذاری باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود.

قاچاق یک کالا یا محصول منجر به قاچاق کالا یا محصول دیگر می‌شود. فرهنگ قاچاق چنانچه در ایران نفوذ کند مشکلات جدی برای دولت و جوامع ایجاد می‌کند از جمله این مشکلات می‌توان به ناامنی سیاسی و بی ثباتی ناشی از فساد، مختل شدن نظم، قانون و امنیت نظامی اشاره کرد. چون قاچاقچیان کنترل سرزمینی را نقض می‌کنند احتمال تروریسم و ناامنی را افزایش می‌دهند. روحیه مقاومت ملی در برابر دشمن خارجی را از بین می‌برند. ناامنی اقتصادی ناشی از پرواز سرمایه و افول توریسم، نگرانی‌های اجتماعی ناشی از افزایش استفاده از داروهای مخدر و جرایم ناشی از این مشکلات، ناامنی اکولوژیکی از جمله این تهدیدات هستند. مافیای دارو و مواد قاچاق به علت روش‌های عملیاتی خود باعث ایجاد آلودگی، فرسایش و بیابان زایی می‌شوند و در نهایت به واسطه فساد و خشونت سیاسی جرم افزایش می‌یابد (Thachuk, 2007, 194-211).

-تهدید جامعه، زندگی، معیشت و رفاه اجتماعی شهروندان ایرانی، تهدید تجارت ایران و نهادهای مالی کشور از جمله تاثیر بر تجارت، رقابت کالاها و تولیدات داخلی و منافع ایران در سیستم‌های مالی جهانی، تهدید امنیت، صلح و ثبات جهانی که به نوبه خود منافع امنیت ملی ایران را به مخاطره می‌اندازد خصوصا در کشورهای توسعه نیافته پیرامونی ایران که باعث توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و... می‌شود و کاهش قدرت چانه زنی در تبادلات امنیتی و سیاسی با کشورهای دیگر به علت قاچاق از دیگر پیامدها و تاثیرات امنیتی و سیاسی قاچاق کالا و ارز در ایران می‌باشد.

از جمله پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قاچاق کالا و ارز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش درآمدهای دولت و عوارض گمرکی، استقراض از سیستم بانکی و استقراض ارز خارجی، اختلال و رکود در بخش تولید و محصولات

داخلی، دستیابی به میلیاردها رانت برای رهبران فعال در اقتصاد پنهان و قاچاق، از دست رفتن تاثیر و نفوذ سیاستهای دولت در بخش تولید، از دست رفتن یارانه‌های صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری در کالاهای مصرفی به جای کالاهای سرمایه‌ای، ایجاد بحران در قیمت کالاهای داخلی به علت کالاهای ارزان قاچاق، تخریب و تهدید تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال و توسعه کشور، تقویت کالاهای خارجی در بازار، اختلال در تجارت رسمی و قانونی، افزایش پول شویی در کشور و منطقه، پیوند دادن اقتصاد ملی به اقتصاد غیر رسمی، افزایش عدم اطمینان و نوسانات در اقتصاد، افزایش هزینه‌ها و اتلاف منابع ملی، ایجاد مشاغل کاذب. کاهش سرمایه‌گذاری مولد در اقتصاد داخلی. از دست رفتن منابع ارزی کشور و فرار مالیاتی، کاهش امنیت اقتصادی کشور (Soheili, 2016, 5, And Mohammadi Jeshfaghani).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

موقعیت جغرافیایی و گستردگی مرزهای خشکی و آبی ایران، همسایگان توسعه نیافته، نوپا، بی ثبات، وجود مبادی مختلف و پیچیدگی روشهای قاچاق، مقابله با این معضل را دشوار ساخته است. در چارچوب سیاست رونق و جهش تولید که مستلزم حمایت از اقتصاد داخلی و تولید داخلی می‌باشد، تهیه سیاستها و خط مشی‌های علمی برای تحقق جهش تولید دارای اهمیت اساسی می‌باشد. در این زمینه، تدوین سیاستهای مقابله با قاچاق کالا و ارز و استفاده از تجارب دیگر کشورها برای تحقق جهش تولید در کشور و ایجاد توسعه پایدار و رفع موانع اساسی تولید در کشور دارای اهمیت زیادی می‌باشد. فقدان همکاری میان ادارات و نهادهای دولتی با نیروهای پلیس، نبود منابع مالی لازم برای مبارزه با کالاهای قاچاق و کمبود نیروهای اداری موثر از عوامل موثر در تشدید قاچاق کالا هستند. بکارگیری نیروهای انسانی غیرموثر توسط نیروهای پلیس در نواحی مرزی منجمله سربازان، نیروها و پرسنل در تبعید از عوامل دیگر عدم موفقیت در مقابله با قاچاق کالا می‌باشد. نیروی پلیس می‌بایست از دانش و آگاهی لازم درباره پدیده قاچاق و مبارزه با ورود و خروج غیرقانونی کالاها برخوردار باشند. فقدان کنترل و نظارت دقیق بر توزیع و فروش کالاها هم از عوامل دیگر زمینه ساز قاچاق کالا است. عده ای از مسئولان راه کنترل قاچاق کالا و ارز را گران تر کردن کالاها و محصولات تولید داخل می‌دانند و به افزایش چند برابری قیمت بنزین و دیگر محصولات در کشور راضی نبوده و در پی برابر سازی قیمت کالاهایی چون بنزین و گازوئیل و... با کشورهای دیگر هستند. این نوع نگاه قطعا باعث فشارهای مضاعفی به مردم می‌شود. راهکار مبارزه با قاچاق هماهنگی همه دستگاهها در امر شفافیت، پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا، توجه به تقویت تولید در کشور و مبارزه با معضل بیکاری و تورم در کشور است.

پیشنهادات پژوهش عبارت اند از:

- توسعه متوازن و توجه به عدالت سرزمینی و بیکاری در نواحی آسیب پذیر مرزی

- ساماندهی باراندازها یا اسکله‌ها

- تحت کنترل درآوردن حمل کالای قاچاق

- سازماندهی حمل و نقل دریایی

- سازماندهی و کنترل انبارهای گمرک مخصوص ذخیره کالاها
- ارتقای تخصص و توانمندی عضو ستاد مبارزه با کالا در رشته بازار.
- سازماندهی مبادلات فرامرزی و پاکسازی بخشهای معیوب و نفوذ پذیر مرزها
- جلوگیری از قاچاق در مناطق آزاد کشور (Jeshfaghani , et al, 2016,5)
- بهبود الزامات قانونی و اطلاعاتی
- پرکردن شکاف‌های امنیتی بین نهادها و مقامات اطلاعاتی، اجرایی قانونی و نظامی جهت همپوشانی و هماهنگ کردن هرچه بیشتر اقدامات آنها.
- افزایش همکاری نزدیک در موضوعات امنیتی در داخل کشور و با همسایگان
- انسجام و هماهنگی بین کلیه نهادهای سیاسی و اقتصادی و نظامی کشور

منابع

- دالایی، مجید، قره داغی، جبار و عباسی، سینا(۱۳۹۴)، بررسی علل و پیامدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راهکارهای رویارویی و مبارزه با آن، دومین کنفرانس بین المللی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه اقتصادی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه.
- سپهری، سیدکریم(۱۳۷۷)، تحقیق پیرامون ابعاد اقتصادی پدیده قاچاق کالا، مشکلات موجود و راهکارهای مقابله با آن، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵، صص ۱-۲۵
- عزتی، عزت‌الله(۱۳۸۱)تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، انتشارات وزارت امورخارجه ایران
- قلی‌زاده، سیدابراهیم، علی‌پور، عباس و ذوقی بارانی، کاظم(۱۳۸۹)، علل و پیامدهای قاچاق کالا پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه دانش انتظامی، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۹-۱۴۲
- کریم‌زاده، مجید(۱۳۹۵)بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۷-۳۱
- کریمی‌پور(۱۳۷۹) مقدمه ای بر ایران و همسایگان، منابع تنش و تهدید، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی.
- موسوی، محمود(۱۳۹۶)، بررسی قاچاق کالا و تحلیل قانونی جرم آن، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۱/۳، صص ۱۲۱-۱۰۵
- وطن‌پور، علیرضا(۱۳۸۷)قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۸، صص ۶-۲۴
- Spruyt, Hendrik. (2007)War, Trade, and State Formation.” In *The Oxford Handbook of Comparative Politics*, edited by C. Boix and S. Stokes, 211–35. Oxford: Oxford University Press,
- Mamazizi, Solayman and Rostami, Yaghob (2016) on the examination of reasons why border dwellers tend to goods smuggling and its impacts on the non-accomplishment of economic development. World scientific news 52(2016).
- Aghazadeh, Alireza, Ardebili, Mohammadali, Ashouri, Mohammad and Mahdavisabet, Mohammadali(2017) Investigating the Effective Factors on the Occurrence of Smuggled Goods in Iran, *Journal of Politics and Law*; Vol. 10, No. 5; 2017.
- Cheraghi, D., & Heidari, K. (2016). Survey of effective factors of smuggling goods in Iran with emphasis-subsidencis rule. Tarbiat Modares Universit
- Jeshfaghani, Hosein Aliahmadi, Mohammadi ,Omran, luck ,Seyyed Mohsen, and Soheili, Ali (۲۰۱۶) Field Study of Financial adverse effects caused by smuggling in Iran.

- Farzanegan, Mohammad Reza (2008), **Illegal Trade in the Iranian Economy**: Evidence from a Structural Model, Dresden University of Technology, Working Paper.p: 409.
- Erami ,Narges & Keshavarzian, Arang(2015) **When ties don't bind**: smuggling effects, bazaars and regulatory regimes in post-revolutionary Iran ,*Economy and Society* ,Volume 44 Number 1 February 2015: 110
- Siers, Rhea (2007) **The Implications for U.S. National Security**, PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL, Westport, Connecticut London
- Chouvy ,Pierre-Arnaud ,(2013)**The Illegal Trade in Arms, Drugs, People, Counterfeit Goods and Natural Resources in Mainland Southeast Asia**, Palgrave Macmillan.
- Thachuk ,Kimberley L. (2007)**TRANSNATIONAL THREATS Smuggling and Trafficking in Arms, Drugs, and Human Life**, PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL, Westport, Connecticut London.
- Thai, Philip, 2018, **CHINA'S WAR ON SMUGGLING**, Columbia University Press / New York-